تأملی در علل رواج داستان های پیامران در قصاید پارسی

نویسنده‌گان: محسنی نیا، ناصر؛ نوروز زاده چگینی، وحیده
ادبیات و زبان‌ها: یزده‌شهایری، و ادبیات فارسی: تابستان 1391- دوره جدید، شماره 2 (بایابی 14) (علی‌می-پژوهشی)
ارز 61 تا 74
آدرس ناشر:
http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/922277
دانلود شده توسط: سعید هاشمی
تاریخ دانلود: 13/12/13

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه مجازور لازم را از صفحه‌های مجلات، دریافت می‌نماید. بر این اساس همه حقوق مادی بهره‌برداری از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می‌باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشته و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، به بیانیات دیجیتالی که خاص و برگرفته از این پایگاه ناشد، نارضایت کسب مجوز لازم، از صفحات مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می‌باشد و تخلف از آن موجب مجازات فاقدی است. به منظور کسب اطلاعات پیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی گرایش و مرامین

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com
تأملی در علل رواج داستانهای پیامبران در قصاید پارسی

دکتر ناصر محسنی‌نیا، دکتر وحیده نوروززاده چگینی

چکیده

با تعمق در آثار ادبی می‌توان تأثیر دین را در اندیشه و اعتقاد مردم رشته‌ی بکر و آن را آینده‌ی بازهای جامعه دانست که آنها را در رسیدن به اهداف عالی، پروری بر ظلم و یافتن راه حقوقی و گمرکش راه قرار داده‌اند. هنگامی که شعر فارسی روایت گرفته، شاعران از طریق قرآن دیگر کتاب‌های دینی با داستانهای پیامبران آنها شده بودند. در این زمان، فرهنگ اسلامی و داستان پیامبران نیز رفته رفته در اذهان پیامبر از مردم رسیده و به خشکی از ذهن‌های آنان را تشکیل می‌داد. اشاره‌های بسیاری در آثار پارسی؛ بخصوص در قصایدها مشاهده می‌گردیده‌که به طور مستقیم یا غیرمستقیم را می‌توان اساطیر مختلف ملی و داستان‌های دینی می‌کند. شاعران با دسته‌ایان قرار دادن اساطیر و داستان‌های مختلف نمی‌تواند به گن کردن کلام بی‌نهایت که همه اثر باعث زندگی نگهداشتن داستان‌های عظیم شده که به طور مفصل به سیر تحول داستان‌ها و علل آن می‌پردازد. در این مقاله که با هدف بررسی داستان‌های پیامبران در قصاید شاعران انجام گرفته، برخی از اساطیر ایرانی و سیر تحول آنها، داستان‌های پیامبران و علل نفوذ و آمیخته شدن آنها با اساطیر ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی

اساطیر ملی، داستانهای دینی، پیامبران، قصیده‌ای پارسی

1- مقدمه

شعاران فارسی زبان از گذشته‌های دور در سروده‌های خود از داستان‌های دینی، اساطیر و داستان‌های مختلف بهره برده‌اند. شاعران در قرن‌های متعادل در تلاش بوده‌اند به واسطه استعداد، دانش و نویش شاعراً خود، با اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به داستان‌ها و علوم مختلف اشعاری زیبا خلق کنند و از سویی در جهت احیای مستثنها و

n_mohseninia@yahoo.com

dانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (مسول مکاتبات)
v.norouzzadeh@yahoo.com

dانشیار آموزش دکتری زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: 91/12/30
تاریخ وصول: 90/11/12

www.noormags.com
آیین‌های ملی و مذهبی کامی مؤثر بر دارد. توجه آنها به شخصیت‌های ملی و دینی در هم‌های فرانسه نبوده و دچار تحولاتی شده است. البته در این مقاله معنی شده است، اشاره شاعران به بی‌پیمانی بیش از بی‌پیمانی اسلام (ص) مورد بررسی قرار بگیرد. شاعران در قرن های اول شعر پارسی از قهرمانان ملی، جشن‌های آمیز مختلف و گیاهان و جایگاه‌های مقدس و استعفاهای سخنرانگانه و در قرن‌های بعد به دلایل گوناگون به همین مطروح می‌باشد. داستان‌های دینی بیشتری را به کار برده‌اند که علل نفوذ این اختلافات و تحولات در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گردند.

۲- پیشینه تحقیق
در این زمینه، کتاب یا مقاله مستقلی نوشته نشده است. صفا در کتاب حماسه‌سراپی در ایران به دو عامل نفوذ دستیاری بی‌پیمانی از بدو کرده، بردازیم. این بررسی نشان می‌دهد که شاعران ایرانی در پی توجه به استعفا و گذشته ملی خود نبوده‌اند و خودکارا که خودکارا از این استعفاهای استفاده کرده‌اند. در این بخش، بسیار مختصری به مهم‌ترین استعفا ایرانی اشاره می‌کنیم. تا زمانی یا برای مباحث اصلی فراهم گردید.

۳- استعفا حیاتی و گیاهی
یکی از مهم‌ترین استعفا حیاتی است. استعفا برخی، مثلاً در ابتدای ایران، به استعفا آسنده می‌شود. در قرن‌های اول شعر، بی‌پیمانی بیش از بی‌پیمانی اسلام (ص) مورد بررسی قرار بگیرد. شاعران در قرن‌های اول شعر پارسی از قهرمانان ملی، جشن‌های آمیز مختلف و گیاهان و جایگاه‌های مقدس و استعفاهای سخنرانگانه و در قرن‌های بعد به دلایل گوناگون به همین مطروح می‌باشد. داستان‌های دینی بیشتری را به کار برده‌اند که علل نفوذ این اختلافات و تحولات در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گردند.
به كوه قاف در يي شک پر و پال از تن عضا
چر درمانت آوري نلک فروزند همه یک یک

(عیدوالاسج، ج، 1387، ص: 18)

از دیگر حیوانات اسطوره‌ای در ایران، است. اسب در اسطوره‌ای ایران از مقام بالایی برخوردار است و همانند شیر، نماد خورشید و در اسطوره‌ای زرتشتی در شمار آفریدگان نیک است و نام او نیز به ان اشاره نمی‌آید. اسب که آرونیها چندین هزار سال پیش به کار می‌رود. اسب یکی از جانوران نمادی است که در آثار حضوی؛ بخصوص شاهان‌های از آن‌ها نیز بکار رفته است. به خود مشغول داشته است و از آن به عنوان نشان ویژه ایزد آبات، اردشتر و ارزش بایستید سخن رفت. پنده‌ای از معلق‌های سیمی‌لیک، از آن‌ها، نزدیک بهی‌مچید، به‌پرداز، بی‌پژوه، حمل. حمل و حمل، خیار‌خویه، دانش، زمان، سیاسات، صربت، فراوانی، فهمیدگی، وب‌بینی، هوش، جنبه، خیز و دیگر هستند. (ยางدوست، 1379، ص: 327).

در قصاید فارسی پس از مدح شاهان به سراغ مدح است این آنها که این مسئله ریشه در اسطوره‌دارد:

حب دو مجدکانی نازی نژاد
نعل و پر نشان و سم او خارشکن

(منتشری، 1367، ص: 22)

از مرکب تا همه عجب دار
کو تیره کند گرد میدان
شایسته بود چهار خصائص را
داسته به تک سم چو سعدان را

(عیدالاسج، 1362، ص: 39)

پس از اسطوره‌های جویان نویست به اسطوره‌گیاهی می‌رود. در اسطوره‌ای زرتشتی، یکی از آفریدگان آفریده‌مادی در آفرینش جهان به فرمان بندش. یکی از شایسته گیاه بر میانه زمین روبید به چند پای بنده بالا و پی شاخه بی یوست، بی خاک، نر و شیرین. این گیاه همه گونه نبوده گیاهی را در سرعت نبوده خود داشت و آب و آتش به پایی گیاه هست فیافت. (فردوسی، دادگی، 1307). تقدص و اعجاز‌گرایی گیاه و درخت نزد انسان‌انگریزی و از آن شمار در ایران باستان سپس می‌شود. گیاه نخستین نیاپ انسان شود و چنین است که شاید منشی و میشانی را بتوان گیاه خداوندی دانسته که انسان از تبار آهنگ است. گرفت اصل آمیزد از گیاه
زره‌هشت پسر در است و زند
آن گیا اکنون درختی شد که هست
برگ و بارش نزدگی و گر سی و کنند
(بهار، 1368، ص: 500).

۲- آیین‌های ایرانی

آیین‌ها چیزی جر انتقال اسطوره نیستند. در بیشتر ادوار باستانی، اعیان و مراسم سنگی آسانی اساس دینی دارند و مفاهیم اسطوره‌ای را بلع می‌کنند. از اولین آیین‌های ایرانیان، آیین‌های میتراها است. میتراپرستان بر این باور بودند که از بد میترا چیزی پنهان نیست؛ زرآ او چشم روز و خورشید اولین‌ناپذیر است. آیین مهی یکی دارای هفت مقام بود که مهی می‌دانه برای رسیدن به مقام هفتم یا پر یکید مراحال هفت‌گانه‌ها را می‌گذرانند و در سیر و سلوک خود در آن‌ی
مراحل مورد آزمایش‌های دشواری قرار می‌گرفتند تا به مفهوم کامل بررسی‌باید، با توجه به تأثیر عضوی که آینه مهر روز فرهنگ و بیان‌های مردم ایران گذاشتند، در دوره‌های پس از اسلام نیز پیسابی از شاعران از آینه میترا بهره جستند و نمادهای آن را در اشعار خویش به کار بردند.

یکی از آینه‌های میراثیان، جرحا فشنبانی در خاک بود. آنان در مهربانی و پرستش‌ها‌های خود پس از نابیاش گره‌بندی و لزوم مثلثی و زردی نوین را داشتند. آنان عقیده‌دهانه که روان گذشتگان که در خاک شده بودند و خدای زمین، از آن سوره می‌جویند. صورت دیگری از این اعتقاد که تا عصر ما بالاتر مانده و گنه دینی به خود گرفته، ریختن آب یا گلاب است بر سر قورب یا آب پاشیدن بر زمین به هنگام مسافرت کسی و یا چنین آب‌پاشانی که به جشن آبیاران و مرهقین نیز معرف است (همايونفرخ، 1369، 651 - 653).

مصطلحی: 1369، 22 - 25.

زرعه بر خاک همی‌زیم از جام شراب
ناجرمانده بی‌پیام بود چون نیواد
(صوت‌نهادی: 1362، 6)

می‌نوش کن و جرحا بر این دخمه فشن زانتک
دل مرده در این دخمه پرور و طبا
(خواصی: 1368، 224).

جشن مهرگان از دیگر آینه‌های که جا مانده از میراث اسلامی، جشن مهرگان در روز شانزدهم ماه مهر برگزار می‌شود. می‌گویند در این روز خداوند زمین را کاستنند و کلیشه‌های صبا و آذینه ماه مهر به مخلوط هر دو اواخر روز را به‌کار می‌رود و در ساعتی از این روز بود که خداوند ماه را به کردار صبا و به فروغ و تحت‌فکری به بدن سبک گرفته‌اند که ماه در مهرگان از آفتاب برتر است و فرخنده‌ترین سماوات آن ماه است، تا آوازی در دره اسلامی، جشن مهرگان بسیار رواح داشت و مرام آن و سپس بود و محتملاً از دره ماهول این جشن تنظیم شده است (نهاور، 1386، 291).

هورگان باز آمد و بر دشت لشگر را، زد
خواست افروید یاد زمان گنج و ازگاه
بندگان مهریان از پیار جشن مهرگان
(امیر مهر، 1362، 224).

در اشعار متن‌ساز نیز اشاره به جشن مهرگان دیده می‌شود. از خرید این متن‌ساز امیر میر آقایان است، جشن مهرگان را به این ترتیب می‌گوید:

خداگرانا فرخ‌شده مهرگان آمد
سرا برده رحلت کشید سپر و تشریح
(مدیری: 1370، 220).

متن‌ساز در این ایباد به سپر و تشریح اشاره کرده است؛ زیرا آنها بخشی از مراسم مهرگان را در بر می‌گرفت. در لغت نامه دخوا داماد است: «اولین کسی که در روز مهرگان نزدیک بادشاهان عجم می‌آمد، موبیدان و دانشمندان بودند». و هفته خوان از مقبول همچون شکر و تشریح و سپر و سپر به اثر و عتان و انگور سفید و کنار را با خود می‌آورند؛ زیرا به

www.noormags.com
عقده‌های خشک که از این هفت میوه مذکور بخورده و روغن بان بر بندن معاش و گلاب پاشامد و بر خود و
دوستان خود بیابند. در این سال از آفات و بیماران محفوظ بمانند، (دهخدا، شیخ مهرگان).

از دیگر آبیان‌ها ایرانی، آبی زردنشین است. از بی‌بخیصی این انسان در زندگی‌کاری همین اقوام بشر تقریبی
سرنوشت‌سازی داشته است. در زندگی آرایی نیز آتیش این شعله سوزان و فروزان گرمی و آرامش می‌بخشد و در
روزهای کرک و چادنشین و دوران استعمار تجاوز آرا ایرانیان بود. در پی نفرت زندشت، آتش که به‌خشيچه‌ای
هویت آراییان بود، خدایی، تقدیس و وارد دین جدید شد. احترام و بزرگداشت آتش جز پرستیدان آن به عنوان خداوندگار
مورد نیازی بود. آتش که شماها چنان تبیان و زندگی است، ساکنشی بسی از بیش از چنین و سنگین را
برمی‌انگیخت. پس از استقرار آتش‌گزیده‌ها، نفیش آتش در حیات دینی، زردنشین نوزور شد. (پویس، 1381: 92). در
مزدیسنا آنچه که آفرینه اهورامزد است، باپسی سنته و محترم باشد. از این روی ایرانیان توجه و علاقه‌شده به آتش
پیدا کردند. آن را موهی و انزدی دانستند و شعله‌ها را با‌داش فروخ خواندند و آتش‌دان نوزوران را در
پرستشگاه‌ها به منزله محراب قرار دادند. در قضایه شاعران در این سال، به مزید پیشانی به زردنشین و دین ای اشاره شده است:

خود منگ زردنشین بی فر رونگ آرمان

دیوان زردنشین و فرمان‌سازان

گل‌ها افروختند آتش زردشت

اردوی الممالک، 1380/1: 225

آن آتش که پیش دانست و عد اوست

دیمانیه شدیم ز دور و ترانم فراتریش

(خاطرستان: 1368: 224)

- 2- تحول جایگاه استعمارهای ایرانی و توجه به دانستنی‌های

علاقه و به‌ایین و دیگر استعمارهای حیوانی و گیاهی که شرح آن داده شد، فرهنگ و شخصیت‌های ملی که به‌نظر آنها
در ایران و کتاب‌های پهلوی و پس از آن در شاهنامه آمده است و هر یک دارای یکی‌یکی استعمارهای هستند. مورد
توجه شاعران پارسی‌های بوداند. در دگرفندی‌های تاریخی و اجتماعی و بخشی نفوذ مذهب و سلطان حکومت‌های مختلف
در طول تاریخ در نگرش شاعران نسبت به اساطیر تأثیر بسیاری داشته است.

قرن چهارم که هزمار است، جهت آن از مورد است، یکی از این‌جای‌شده‌های تاریخی ایران از جهت علمی،
اداری، ادبی، هنری و اجتماعی است که به‌گونه‌ی بسته تاریخ نوسان، عصر طالبی ایران پس از اسلام نام گرفته است.
سالمرات این اجادات دومین تاریخ ایرانیان در این خط دانسته و در شکل‌گیری فرهنگ، تمدن و دانش در ایران پس از
اسلام تقریب بسیاری دارند. به همین اساس، فرهنگ‌های ملی و استعمارهای چینی و انگلیسی و دیگر مهاجرت‌های
می‌کرده‌اند که ممدوح خفیف‌رها را هم بر سطح اساطیر ایرانی تماشا می‌کرده. این به این دو، نهف دانستنی‌های پیامبران بسیار انداز
است. در بیت زیر رودی، فصل و سیر آمیز و مه‌حوی آن، خاطر دانستنی‌ها و مراکز دانستنی،

همچنین خوش‌عطر و مه‌جر
همچنین خوش‌عطر و مه‌جر

(رک: نیسی، 1336: 497)
و یا منجیک، علم کاویان را، خجسته قال می‌داشد:

به طبع چون جگر عاشقان طبیعت و گرم به رنگ چون علم کاویان خجسته به فنال

(ورک، مدیری، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

قرن پنجم مقرن با بخشی از دوران حکومت محمود غزنوی، مسعود غزنوی و بخشی از دوران اقتدار سلجوقیان است. دولت غزنوی یک دولت ترک‌خاند و نظامی بود. دولت غزنوی خاستگاه نژاد و یاپایگان ملی خاصی نداشت، اما به عنوان مرزی و ناوگان اسلام مورد توجه و تأیید خلاقیت عباسی بود. با نفوذ غزنویان و جذب شاعران به حکومت آنها، قهرمانان ملی پایین‌تر از پادشاهان ترک نزد محصول می‌شوند. مثل آن به این بیت عنصری توجه کنید:

آنچه اندیج گنج سراجها تو کرده خسروا به شک از خشرو نام بر سر افزایه‌بیار

(نصری، ۱۳۸۰: ۱۴)

فرخی نیز چنین می‌گوید:

به سال‌های فراوان تکردر رستم زر

(فرخی سیستانی، ۱۳۵۰: ۱۳۰)

و یا منجیکه، گرز فریدون را در مقابل گرز ممدوح به هیچ می‌شمارد:

ده پانزده مین بیش نبند گرز فریدون

(منچی‌هایی، ۱۳۶۰: ۱۰)

این بی اعتنا نسبت به اساطیر ایرانی و استفاده با‌بی‌بی‌بی با داستان‌های پیامبران در قرن نزدیک به سر کار بودند، به اوج خوید رسوید و گسترش بیشتری یافت. شاعران این قرن داستان‌های پیامبران را به وفور وارد‌اشعاران کردن و برای تمیل نزد شاهان و سناشان آنها، اساطیر ایرانی را در هم کوییدند و خویش شمردند:

آرش اگر بسیاری تبر و کمانست را

(نوری، ۱۳۶۰: ۱۳۴)

هر چغ روخت‌رات سبیم، مدهدان وش ادمی

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۳۶)

انگین اندیک کار بی اعتقاد به اصول کهن ملی به آنجا کشید که کویکنگان دست به استهرا و خویش شمردن یهلوانان و مشابه بزگ تاریخ ایران زند و داستان‌های کهن ایران را که به متملک تاریخ قوم ایرانی بود. افسانه‌های دو یز شمردن. امیر موری این کار را به‌یاد رساند و برای م مدوم خون خمور امیر ارسلان ارغو اسطوره‌های ایرانی را زیر سوال بردا:

تا که از شهنام و تاریخ شاهان کهن

(امیر موری، ۱۳۶۲: ۴۱۱)

کس تبدیل از گرفته گنج سیرمگ و دیو

و یا در این قصیده برای چالیوسی نزد ممدوم، فردوسی را فردی بی‌به‌ندا و اثر اشکامد او را سایر دروغ و

فشا دانست:
الف: حکیم، فتح‌الهای یک عیب.

وصف کیسه، حذف که واقع در مازندران
زال کردن اشیاء و سیب‌موز از افسانه و
راستی در شیر و هپهود چرا گفت آن
تا چرا بر می‌رود معجزه به سر می‌رود
گنگ‌های‌ها را استرایش از ته‌پدیده‌ها نام‌می‌‌کند

(تاریخ: ۱۳۸۷، ۲۴)

البته اشعار شعرای حکیم و عارف در قرن هفتم به بعد و تلمیحات آنها از نوع دیگریست. آنها اشارات خود به استایل

یرایی را در خدمات حکمت و عرفان در اروره‌یا

پیش از این در راه دین بد صد حزارت استفاده

(سنای: ۱۳۶۵، ۱۳۶۵)

نیستی در پنجه مار گز سنج و آهتا

(عطران: ۱۳۶۵، ۱۳۹۰)

این‌که در شهناسه‌ها آورده اند

پس از این خداوندان ملک

هیچ نگرفتن از اشتیا‌ها یادگار

(عمری: ۱۳۷۵، ۲۴۴)

و یا حتی یک‌گان استایل‌جوی را نمادی از خداوندان‌ها بدهد که این است که عارف در اروره‌یا

گه بیانگر ته‌پدیده کامل است;

(علی، ۱۳۸۰، ۱۲۰)

در عز عزلت آی که سیب‌موز تا ز خلق

عزلت گرفتن شاهی خیل الطیر یافت

(عطران: ۱۳۶۵، ۱۳۶۵)

نکته‌ای قابل پیام‌بندی در این قسمت این است که شاعران عارف مسلک، از داستان‌های پیامبر بیان کرده استفاده کرده‌اند و

داستان‌های آتی را در قصاید رواج داده‌اند:

به پارگاه سیلیمان روح هدف عسل

(سیف فرغلی: ۱۳۶۵، ۲۱)

به یک نادعلی گفتند نشاندی شور طفان را

(باباغانی: ۱۳۶۵، ۲۷)

استفاده از استایل‌ها از قرن نهم تا سیزدهم به همین وعده بی‌پردازه می‌پایند: زیرا شاعران، مقتدای شاعران بی‌پردازه بی‌پردازه

و تحت‌الیک در نوع استفاده از استایل به وجود نمی‌آورند.

www.noormags.com
در دوره فقار جنرال اوج سازی چندن خودبندی مشاهده نمی‌شود. قائم مقام فراهمی در تفضیل مهم‌ترین بر رستم پنین می‌گوید:

صد سفر جون هفت خوان کرد این تهمت
(قائم مقام فراهمی، 1366: 29)

اما ادبی‌الممالک کمک کم شروع به زندگی کردان اساطیر ایرانی می‌کند و انتخابات گذشته را یادآوری می‌نماید:

مانا فروش کرده‌اند حرف‌ران
یا بنخواهندند در منیو نسایری
(ادب الممالک، 1380: 1/1)

در دوران مشروطه‌هاویان از انقلابی که شاعران، افرادی ملی گرایی علاقه‌مند به ایران است، سعی در احیای قهرانیان
ملی و اساطیری کردند. مثالهایی از فیلم‌های از 133 بینی تا نام «رستم نامه» دارکار قهرانی‌های مستمرا در این می‌کنند:

کشیده‌ی سب زمان‌های آدم کرمانی رستم
دو شاخ ریز فروندنها ما میان رستم
ز تخم گریپیش مانده در جهان رستم
(بهار، 1368: 279)

بهار با اساطیر آمیزانی و تاریخ کهن ایران بسیار علاقه‌مند است. این به سبب آگاهی نسبتاً واسط از گذشته ایران، همه
جا با غروب، پایانی داران و داوران تاریخی و اساطیری ایران را در مقابل با اوضاع فلسطین باز جامعه به یاد می‌آورد و
بهترین استیلیسی ها را از وطن می‌کند. ادیبهایی هنری در این می‌کنند.

هرمزد پنین ملک گراینده به مداد
گر فر کیان بف می‌رود می‌ساید
وز نوری هرمزد درآید به کف ماما
و آرایهگرند و به انداز و خوش ایند
(بهار، 1368: 555-560)

با مطالعه این سطور می‌بینیم که استفاده از اساطیر ایرانی تا چه اندازه با دگرگونی‌های تاریخی و دینی‌ها در
ارتباط بوده است.

5- علی نفوذ داستان‌های پایام‌رک و پی توجیه به اساطیر می‌در آثار ادبی ایران
با گذشته‌ای و داده‌هاهای فرهنگی با اقوام همسایگی، دگرگونی‌هایی در اساطیر ایرانی بی‌بی‌دیده آمد و گاه‌گاه
تغییراتی اساسی در برخی از آنها صورت پذیرفت. است. در ادامه به مهم‌ترین دلایل نفوذ داستان‌های پایام‌رک در قصاید
پارسی اشاره می‌کنیم:

5- ورود اسلام و گسترش باورهای دینی به آن‌ها سعی از آموز اسلام به ایران، بسیاری از اساطیر و هنر ایرانی از رونق
افتد. خصوصاً آنها که در تضاد با باورهای اسلامی بودند. اگرچه پس از غلب‌الدوله اعراب ایران، نهشت شعوبی بیدید آمد

www.noormags.com
و سعی در تحریک حس میهن‌پرستی ایرانیان و شناسندان قوم ایرانی داشتند؛ اما انجام از تفسیرهای تمیزی بیشتر:

استراتژی ملی و چه دردآوری داستان‌های مذهبی در دست داریم، اغلب بمانند تفسیر عرفانی و اسلامی است. «متأمل و مفروضین ترجیح می‌دادند، داستان‌های دینی و سرگذشته پیامبر را موضوع تفسیر و تأويل قرار داده که به علت حرمت و اهمیت دینی و جنبه تفلیسی آن می‌خود و با طبیعی اهل عصر و طبیعت زمان سازگاری بود و مهم از نظر تعالیم و انتقال مفاهیم عرفانی و سیبی مورد نظری محسوب می‌شده. گذشته از این حس بین‌المللی و اعتراض علمی و فقه‌ای اسلامی را کمر بر می‌انگیزید: چرا که استراتژی ملی ایران اگرچه همواره به بیان احوالاتی که ورودی از مقوله‌ها و اقلیت‌های مختلفی دیده می‌شد، اما این رو، تأويل و تفسیر معنای اساطیر ایران حتی به صورت اشاره‌ها یا جریزی و از طریق تلخی در دش آثار متفاوت و مشور صوفیانه از نظر گستره‌گیر و تنوین هر گونه مقایسه با تأويل و تفسیرهای داستان‌های پیامبران نیست (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۱۵۶-۱۵۷)

در تمامی قصیده‌ها، غلب‌العاده، همان طور که صاحب‌نظر در دیگر قبلاً هاش در نظر گرفته‌ام، همان با این مطلب را تایید می‌کنند: در صورتی ایفای عرفانی، تلخی در حوزه شعر توزیع داده شود و در غزوهای عرفانی مکتوب می‌ماند. غلب‌العاده، همان چگونه جا داشت، پیامبران و اساطیر فلسفی است و در غزل‌ها حافظ است که توانایی در بره‌گیری از استراتژی ایرانی و سامی برتران می‌گردد (واحددوست، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

۵-۲-۵ توجه به قران و تأثیر‌پذیری از قصه‌های آن: از دیگر دلایل توجه شاکریان ایسی به داستان‌های پیامبران، تأثیر پذیرفتی آنها از قران و قصه‌های آن است. آنها جهش عمده‌ای از دیگر خود را از قران گرفته‌اند و طبیعی است که برای آقایش‌تو تصورهای هنری و بیان داستان‌های قرآنی اشاره‌های زیادی دارد. از آنجا که عقلیه مردم به سرگذشت انتهایی‌ها به یاد آن کمک کنند. از این نظر مقاله‌هایی آنها با حالت تاریخی به حالت اساطیری سوق داده است، ما را بر این داشت که در این مقاله به آنها پردازیم. برای مثال دین مسیحیت در میان شناخته‌شده و مورد توجه است و حضور مسیحی‌دانو در خاصی در پی جهان‌نیاگاره و در قران به‌طور کلی در صورتی ایفای شده است، از این رو پیامبران نیز ایشان را پیامبری برحق و شایسته می‌دانند. پیامبران ایوانی به جنبه‌های مختلف زندگی حضور مسیحی‌دان سخن گفتند ایشان در گوهار در مجازات حضور مسیحی و زندگی کردن مردگان اشتر که در مواردی نیز از داستان‌ها دیگری را که در منابع غیراسلامی آمده است، مطرح می‌کنند. ایشان به سببی ایفای عرفانی به آن می‌بخشند. مثلاً یکی از پیامبران به سوژه عیسی (ع) که نام باشکوه مانند در آسمان چهارم شده است، اشاره کرده‌اند و یا از شخصیتی به نام عازر که عیسی (ع) افراد اگر راهش می‌کنند، نام می‌برند. خاصیتی به دلیل مسیحی بودن مادرش و متأهلی در طولانی به منافع مسیحی‌دانو نشان می‌دهند، پیامبران از دیگر شعرها به ضامنی مشایخ آشنا می‌گردند، به همین دلیل ایوانی از او را آورده‌اند: بر پردازش در این داستان، ایشان قرآنی نشان داده و در عازر نیز استفاده از دو جنیت در ابتدا است مورد را داشتند و در تفسیرهای پیامبران نزد ایوانیان در میان اقامین سامی، افراد بزرگ‌تری به عنوان پیامبر که با خدایان یکناد در ازبکیستان است و مورد را هدایت می‌کرد. شناخته می‌شود و هر کدام هم سرشار از قهرمان‌ها در مشکلات هستند و در
مقاوت اقوام سامی، افراد برگزیده ایرانی، به شکل پادشاهی مطرح می‌شوند که دارای تاج و تختند. به همین دلیل است که پیامبر انسان بشر، در آثار فرهنگ ما به مکتب کلکل و در آثار کلکل شده‌است. مبلغ های مذهبی و امام رضا، مربوط به این موضوع است. با این حال، ایمان داری و نیز ایمان با این موضوع است.

ادبیه الممالک در بیت‌چنین می‌گوید:

پادشاه‌ها ولایت به مدت دریا سرزده
تا کن در وی وزارت آفس بن برخی

(ادبیه الممالک، ج. 1380. تبریز 1389)

4-5 ورود خاندان‌های ترک و مغول به ایران، از نمایی دوم قرن نویسی بی‌خوره از آغاز قرن ششم هجری، آثار ضعف در نظم حمایت‌های ملی آشکار شد و از این ادعا به بعد است که این ادعا به نظام درآوردن دانسته‌های ملی قدیم مزروع می‌ماند. حتی شاعران قصیمه‌زا نیز علاقه به ذکر افتخارهای ملی خود ناشستند. شاهان غزنوی و سلجوقی، تعصب دینی زیادی نشان می‌دادند و مخالفات خود را سرکوب می‌کردند. اینها بازه به هنگام یکدیگر سرزمین آنها را چاپ نمودند. از همین نتایج و اعتقادات دینی تا تاریخ کارهای و اصلی دینی کنند و به گفتگو صرف (132): 153، این تعصبات، خطاب‌کننده ارتعاشی بود که علامان ترک قزاقوی و سلجوقی براز ایرانیان آورده‌اند.

شاعران این دوبار برای مبایل‌می در مود و کسب صلی از شاهان ترک، حاضر شدند قهرمانی ملی ایران را فندی خوائی‌هاشان بکنند و آنان را از ممدوحان خود بی‌پاترسن بدانند. آنان می‌کردند که بشرت به دستان‌های بیان‌پرداز امشاره کند و از این طریق شعر خود را پرپار کند‌الله با دعه‌ی نازو و سلطانی‌های غزنوی و سلجوقیان در طول چندین قرن بر بزمان و ادب فارسی داشته، نشان‌های اثر اساطیر ترکی مطلبان در ادبیات دیده نمی‌شده (شفعه کذکی، 1387: 242).

5-5 ضعف مبانی ملیت و فراموش شدن افتخارهای نزدیک: هرچه قدر که از قرن چهارم دوره‌ی مسوم، ضعف مبانی ملیت را بیشتر مشاهده می‌کنیم. درست است که شاعران قرن نویسی از سیاست‌های ایرانی نام برده‌اند و مستقیم و غیر مستقیم به بسیاری از آن‌ها و جنرال‌ها اشاره‌کردند؛ اما به دلیل نفوذ خاندان‌های غیر ایرانی، روحیه مینه‌برنی شاعران رو به انحطاط نهاد تا جایی که آنان به جای افتخار را گذشته خوشی، قهرمانی ملی خود را به استهلال گرفتند و به سببی شناخته‌پذیر شده‌اند.

6-5 بکار می‌برد مسیح سرایی: بیشتر قصاید شاعران قصیمه‌زار در مود و سرایی پادشاهان است. شاهان در هر عصر به دلیل علاقه به شهرت و مانداری نام خویش، مسیح سرایی را تخلیه می‌کردند. از این جهت شاعرانی که در پی نام و نام بی‌شمار، به دربار آنان را می‌یافتند و قصایدی در مود آنان می‌سوزند. با این اوصاف معلوم است که دنی بی‌سابقه ابراز اساسی ایرانیان مانند سلسله حرکت و شاهانان نیز این امر را تأیید می‌کردند.

7-5 ورود تصور به شعر: فرآیندی از قرون اوال اسلام وجود داشت؛ اما مهم‌ترین دوره‌ی روابط و تئیت علمی و عملی این فرآیند در ایران، قرن چهارم و پنجم است (دعاشاهی و میرزاورفی فرد. 1384: 128). در قرن پنجم و ششم،
صوفیان پیرو عرفان نظری بودند. این فرقه به توجه خاصی که به ترتیب سالکان و ارشاد عامة مردم داشتند، شعر و نشر فارسی را وسیله برای بیان مفاهیم تربیتی و عرفانی خویش قرار دادند. وجود این مسائل در شعر و نشر عادت خارج شدن شعر از دیوار شاهان شد و شاعرانی جون ستایی، مولانا و عطار اشعاری غنی در این زمینه سروندند و تفکر خاصی را به ادب فارسی وارد کردند. شاعران عارف مسلک در اندرهای خود از اسطوره‌ها می‌افزایدند; اما برای تفکر پیشرفته به آثارشان، داستان‌های ادبیات را بیشتر به کار می‌برند و بسیاری از این داستان‌ها را که از منابع مختلف می‌یافتهند، دست‌خیال افکار خویش قرار می‌دادند.

8-5 - آمیختن داستان‌های ادبیات با فرهنگ یافته‌هایی که از مهم‌ترین دلایل شیوع داستان‌های ادبیات، به‌دیگر دین‌های جدید بود. با آمدن اسلام، داستان‌های ادبیات با فرهنگ‌های دیگری پیش آمدند. زمان و مکان و شخصیت‌های اسطوره‌ای دو نظام اسطوره‌ای ایرانی بود که در هم خلط شده و پادشاهان و ناموران ایران با ادبیات و شاهان بنی اسرائیل رابطهی با آمدن اسلام، تفسیر آن‌ها با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا این امر، تفسیر آن‌ها با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنایی داشتند. در اینجا ایشان با اسارت‌های قبایلی اسرائیلیان با تاریخ عجوم آشنай...
نسبت دان ویزگی های افسانه‌ای به اسکندر و اغراق‌های تاریخ‌نویس باعث شد که سیمای اسکندر بیش از پیش برای مردم کشورهای کویاگون افسانه‌ای شود و هر فهم و میل به خود اجازه دهد بخشی از هیأت اجتماعی و تاریخی خود را با این جهت افسانه ای شده سازگار سازد (حسام برو، 1389: 87).

در گروه کنید چهره اسکندر دو دلیل داشت: نخست اینکه به نگه‌داری (1380) سزاران اسکندر که علاقه‌مند به عیش و ثروت پیش‌بینان شدن که چرا یا را مطلایی در خانشینه نیستند. در عوض توانستند وی را می‌توانند و اخبار مالی‌گرایی از فتوحات از خودشان داشته‌اند. دوم اینکه ایرانیان جوی نمی‌توانند، تسلیت بیگانه را بهترینکنی، کوشیده‌اند او را ایرانی و از پشت دارا و در ل، ناکم مکنند و تحت حضوری معنی‌گزین را بود که غزوری ایرانی را حفظ می‌کرد (صفوی، 1364: 29). بر همین اساس، درخواست اسکندر را ایرانی دانستند.

شاعران نیز را چهره‌های ایرانی می‌دانند و ممّدّح را از باستان می‌پندارند:

منتوش شد به گلی زین داستان و قصه هم قصّة اسکندر هم داستان دارا

(امیر میرزی، 1362: 22)

در هر پیش ز اسکندر که هنگام هنر
سجد به پای کرد پیش ت‌چنپچه را

(امیر میرزی، 1362: 28)

5-9 - علاقه شاعران به کاربرد صور خیال منقوش: شاعران ایرانی علاقه‌مند به فخر و نیک در هم‌هادارت خوشی در شعر نبوده البته، صدای خیلی نگرانی نداشتند. به همین دلیل نمی‌توانند از داستان‌های مختلف استفاده کنند. تا معلومات توخات را به رخ ویگر شاعران و مدرسان بکشند. همین امر باعث رواج هرچه بیشتر رواج داستان‌های مختلف در ادب فارسی شده است. آنها حتی پیشتر از شخصیت‌های داستان‌های عاشقانه شعاران عرب را در قضاوت خوشی آوردهند و جنبه استطرادی به آنها داده‌اند. در نتیجه این عوامل می‌بینیم که اگرچه اشکله به اساطیر ایرانی در آثار ادبی و جغرافیا و شاعران برای ساختن تصویرهای مختلف و حتی دادن بنده را اندرز از آنها استفاده کرده‌اند، اما آگاهی‌ها یا تفکرها و بتوانه عواملی که تسلیت علامت و قبیل زردپوش بر ایران و توسعه عوامل دینی و قانونشند انتخابات نژادی و ضعف بیانی می‌باشد در میان ایرانیان که با حفظ و توهین و نظم حساسی‌های ملی می‌باشند بسیار دارد، نسبت به روایت‌های غیر ایرانی نیز هم‌گم‌مانده و موجب نفود آنها و آمیخته شدن با اساطیر ایرانی گشته‌اند. به طوری که بسیاری از مورخان به قول آنها استناد می‌کندند و داستان‌های مختلف ایرانی و سامی را براساس سخن آنها می‌گرایند.

منابع

1- ادبیات الممالک فرهنگی کاظم متقام، میرزا محمد صادق (1380). دیوان ج1، مجمعی برآی‌آبادی (مصحح)، تهران: فردوس، چاپ دوم.

2- ادیان جوان، سید علی (1367). تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاصی، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
تأملی در علل رواج داستانهای پیامبران در قضاوت، پارسی / ۶۳

- امیرمیرزا، امیرالشیخ، محمد بن عبدالله(۱۳۶۲). کلیات دیوان معاصر، با مقدمه و تصمیح: ناصر هیری، تهران: مربیان، چاپ اول.

- نویی، علی بن محمد (۱۳۶۴). دیوان، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.


- بهرامی، ایرج (۱۳۸۵). رویین تن و چاودانی در اساطیر. تهران: زوارو و رجواد.

- پورنمازداریان، نصیر (۱۳۶۴). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

- نحوی، احمد (۱۳۸۵). میثوق کردن، به کوشش زاله آموزگار، تهران: توس، چاپ چهارم.

- حسام بور، سعید (۱۳۸۹). سمای اسکندر در آیندهای موج دارد، دانشگاه اصفهان: پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۲، پاییز، ص ۳۶-۴۲.

- خاقانی، بهداد بن علی (۱۳۸۸). دیوان، به کوشش پیامدهای جدیدی، تهران: زوار، چاپ سوم.

- دهبانی، مهدی. میراث‌های فردی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). تاریخ نقوش (۱)، تهران: ستاره، چاپ اول.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). لغت، زیرنظر محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.


- سلطانی‌فرد، میرزا علی (۱۳۷۲). سیری، در فقلو فرهنگ ایران، تهران: میبتکران، چاپ اول.

- سنایی، ابوالهجمهورم (۱۳۶۲). دیوان حکایت سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: کتابخانه سنایی، چاپ سوم.


- شفیعی کرکندی، محمد رضا (۱۳۸۷). صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم.

- شمس، سید علی (۱۳۷۸). فرهنگ تلمیذات اشراقات اساطیری، داستان، تاریخی، مذهبی در ادبیات فارسی، تهران: فردوسی، چاپ ششم.

- صفا، ذیح الله (۱۳۵۲). حماسه سراپی در ایران از قدم تین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.

- صفوی، سید حسن (۱۳۶۴). اسکندر و ادبیات ایران و شخصیت مذهبی اسکندر، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.

۲۵- عطار، مهمند بن ابراهیم (۱۳۶۲). دیوان، به اهمیت و تصحیح: نهضت فلسفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۲۶- علیه، فردیه (۱۳۷۲). از همای تا فنیکس: تحلیل در باب پرندگان استوره‌های در ادبیات حماسی از خاور تا باخبر، مجموعه مقالات استوره و ادبیات، تهران: سمت، چاپ دوم.

۲۷- عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد (۱۳۶۳). دیوان، تصحیح و مقدمه: سید محمد دیرساوا، تهران: کتابخانه ستایی، چاپ دوم.

۲۸- فرخی سیستانی، علی بن جولونج (۱۳۵۵). دیوان، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.

۲۹- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). شاهنامه فردوسی، بررسی شاهنامه چاپ مسکو، تهران: پیمان، چاپ دوم.

۳۰- فریبن دادگی (۱۳۸۵). بندبند، مهرداد بهار (گرایند)، تهران: توس، چاپ سوم.

۳۱- قاچق شیرازی (۱۳۸۰). دیوان، بر اساس نسخه میرزا محمود خوانساری، به تصحیح امیر صالحی (خوانساری) تهران: نگاه، چاپ اول.

۳۲- قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۶). دیوان اشعار به انضمام مثنی جلالرثومه، تصحیح و حواشی: سید بدال‌الدین بحکمی، تهران: شرک، چاپ اول.

۳۳- مختاری، مهدی (۱۳۷۹). استوره زال ( تبلور تضاد و وحدت در حماسه ملی)، تهران: توس، چاپ دوم.


۳۵- مصطفوی، علی اصغر (۱۳۸۹). استوره قربانی، چاپ اول.

۳۶- متوجه، ابوالحسن احمدی فوکوس (۱۳۶۴). دیوان، به انضمام محمد فیشر ساباک، تهران: زوار، چاپ پنجم.

۳۷- نفیسی، سعید (۱۳۳۶). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران: امیرکیار، چاپ سوم.

۳۸- واحدودست، مهوش (۱۳۸۱). روبره‌های علمی به استوره شناسی، تهران: سروش، چاپ اول.

۳۹- ------------- (۱۳۷۹). هدایت الهای استوره‌ی در شاهنامه فردوسی، تهران: سروش، چاپ اول.

۴۰- هامونفرخ، رکن الدین (۱۳۶۴). حافظ خرازی، تهران: اساتید، چاپ دوم.

۴۱- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). انسان و سمبل‌هاش، ایبوتلابه صارمی، تهران: امیرکیار، چاپ اول.